عکس: علی محمدی/ ایران

این محله بهشت میوه‌فروش‌هاست

داستان وانتی‌های افسریه

محمد معصومیان
گزارش نویس

افسریه با میانگین هر صد قدم یک وانت میوه‌فروش تبدیل به میدان میوه و تره‌باری به وسعت یک محله شده است. جوانان بیکار، میوه‌فروشان قدیمی و رانده‌شدگان از مشاغل مختلف، هر کدام به اندازه یک وانت در خیابان‌های ماشین‌رو محله برای خودشان کسب‌وکار راه انداخته‌اند. آن‌طور که مهدی می‌گوید کار هر روز صبح او رفتن به میدان میوه و تره‌بار است و بار زدن وانت: «تا شب در کوچه‌پس‌کوچه‌های افسریه آنقدر بالا و پایین می‌روم و با بلندگو داد می‌زنم تا بتوانم فروش خوبی داشته باشم.»

البته اگر همه این کارها را هم به صورت حرفه‌ای انجام دهد بازهم به علت بازار رقابتی و وفور وانت میوه، کار سختی برای فروش در پیش دارد. این بازار شلوغ برای مردم محله، هم مزیت است هم گرفتاری؛ همیشه میوه تازه و ارزان در دسترس دارند اما سروصدا و شلوغی و ترافیک کلافه‌شان کرده است.

اگر محل سکونت شما افسریه باشد، امروز هم برایتان یک روز عادی است؛ از آن روزهایی که از ساعت ۹ صبح با صدای بلندگوی میوه‌فروشان که شبیه زنگ برپاست از خواب بیدار می‌شوید، از خانه بیرون می‌روید و از ترافیک همیشگی خیابان‌ها می‌گذرید، اما اگر غریبه‌ای باشید که برای اولین‌بار به این محله می‌روید حتماً از دیدن این همه وانت میوه تعجب خواهید کرد. از خودتان می‌پرسید مگر یک محله چقدر مصرف میوه دارد که هر چند قدم یک وانت پر از انواع میوه و تره‌بار در حال کار است؟ بعد از کمی چرخیدن و بررسی قیمت‌ها هم قطعاً به این نتیجه می‌رسید که جای خوبی برای خرید میوه است. همان‌طور که در ۱۵ متری اول راه می‌روم، به قیمت‌هایی که روی مقوا مثل پرچم بالای هر وانت به اهتزاز درآمده دقت می‌کنم؛ پرتقال توسرخ ۸ هزار و ۵۰۰ تومان، گوجه کیلویی ۸ هزار و ۵۰۰ و سیب استخوانی دماوند ۱۶هزار تومان به شرط، کمی جلوتر قیمت‌ها بیشتر و کمتر می‌شود. بازار رقابتی است و هر میوه‌فروش می‌خواهد زودتر میوه‌اش را بفروشد تا دورریز نشود.

مرد جوانی که به وانت پر از پرتقال تکیه داده و با خنده جواب سؤالاتم را می‌دهد نامش علیرضا است. تقریباً ۳۵ ساله به نظر می‌رسد و ۵ سالی است که کارش فروش میوه با وانت است. او از جمعیت زیاد افسریه می‌گوید که باعث شده همه به این محل جذب شوند: «اینجا نفر و رهگذر زیاد است اما به نسبت مناطق دیگر تهران کاسب هم زیاد دارد.» او می‌گوید بار را از میدان میوه و تره‌بار می‌خرد و اینجا با سود ناچیزی می‌فروشد تا خرج یک روزش دربیاید: «همه بیکارند و وقتی بیکار زیاد باشد این شکلی می‌شود. از طرفی سیستم کاسبی افسریه کلاً این شکلی است. مردم آنقدری که با دستفروش و وانتی راحت هستند و خرید می‌کنند از مغازه خرید نمی‌کنند. قیمت هم ارزان‌تر است.» او از جوانانی می‌گوید که پدرانشان سال‌ها پیش در این محله میوه‌فروش بوده‌اند و حالا آنها هم کار پدر را ادامه می‌دهند. او یک دکه میوه‌فروشی را نشانم می‌دهد که ۴۰ سال است سابقه کار دارد.

علی آقا گوشه خیابان ماشین‌رو بساط بزرگی دارد. همه جور میوه‌ای هم دارد: «از بچگی شغل من همین است. آن مغازه آن طرف تا پارسال در اجاره من بود اما صاحب مغازه کرایه را بالا برد و من هم توی کوچه و خیابان افتادم. ناراضی هم نیستم چون اینجا بیشتر از داخل مغازه فروش دارم اما خب سرما و گرما دارد و بالاخره کف خیابان است و هزار دردسر.» او می‌گوید کار دیگری بلد نبوده که سراغش برود.

۱۵ متری دوم هم مانند اول، خیابان پر از وانت‌بار است و بیشترشان هم با اینکه ظهر است فروش خوبی دارند و مردم و رهگذران و حتی اتومبیل‌های زیادی ترمز می‌زنند، خیابان را بند می‌آورند، خرید می‌کنند و می‌روند. دو پسر جوان که کنار وانت، آتش کوچکی روشن کرده‌اند تا از سرما در امان بمانند از رفت‌وآمد به شمال و خرید پرتقال می‌گویند. یکی از آنها که به قول خودش درس نخوانده و شغل پدرش را ادامه می‌دهد، سر از گوشی بلند می‌کند و می‌گوید: «اینجا مردم زیاد میوه می‌خرند. میوه‌فروشی کم و وانتی زیاد است. ما هم از ساری پرتقال می‌خریم و اینجا می‌فروشیم. پرتقال را آنجا کیلویی ۴هزار تومان یا ۴هزار و۵۰۰ تومان می‌خریم که با کرایه و کارگر ۶ هزار تومان یا ۶هزارو۵۰۰ درمی‌آید و ۸ هزار تومان هم می‌فروشیم.» او معتقد است برای فروش باید زرنگ بود و یک گوشه خوب پیدا کرد، اما بالای شهر هم می‌روند که آنجا می‌توانند همین پرتقال ۸ هزار تومانی را ۱۰ هزار تومان بفروشند: «اینجا همه قیمت دستشان است چون هر روز همه وانتی‌ها را یکجا می‌بینند که چه قیمتی روی میوه گذاشته‌اند.»

> اگر محل سکونت شما افسریه باشد امروز هم برایتان یک روز عادی است. از آن روزهایی که از ساعت ۹ صبح با صدای بلندگوی میوه‌فروشان که شبیه زنگ برپاست در از خواب بیدار می‌شوید، از خانه بیرون می‌روید و از ترافیک همیشگی خیابان‌ها می‌گذرید. اما اگر غریبه‌ای باشید که برای اولین بار به این محله می‌روید حتماً از دیدن این همه وانت میوه تعجب خواهید کرد

بازار وانتی‌ها آنقدری خوب است که خیلی از مغازه‌داران هم اجناسی غیر از میوه مانند کنسرو یا روغن و رب را در وانت روبه‌روی مغازه می‌گذارند تا به این شکل فروش بهتری داشته باشند. سراغ یکی از میوه‌فروشان که ته مغازه‌اش روی صندلی نشسته و بار زیادی هم در مغازه ندارد می‌روم. روبه‌روی مغازه، وانتی پر از نارنگی است که احتمالاً تا غروب باید دور ریخته شود. مغازه‌دار با خنده می‌گوید: «یکی از وانتی‌ها را دیدم روزی ۵۰۰ کیلو سیب می‌فروخت، من هم به سرم زد بروم ۲۰۰ کیلو نارنگی بخرم و بیرون مغازه پشت وانت بفروشم اما ۱۰۰ کیلو هم به زور فروختم.» او توضیح می‌دهد که ذهنیت مردم این محل این شکلی است که مغازه‌دار گرانفروش و وانتی ارزان‌فروش است: «گاهی فکر می‌کنم کرکره مغازه را بدهم پایین تا این نارنگی‌های جلوی مغازه فروش برود.»

پسر جوانی که با لباس ورزشی و کوله باشگاه تازه از خانه بیرون آمده، می‌گوید: «هر روز صبح از ساعت ۸ با صدای بلندگوها از خواب بیدار می‌شوم و تا ۱۲ شب که سروصدا ادامه دارد، نمی‌توانم بخوابم. از ساعت ۷ و ۸ شب که خیابان‌ها تازه غلغله می‌شود چون هر کسی دارد از سر کار برمی‌گردد وسط خیابان می‌زند زیر ترمز تا خرید کند.»

همین‌طور که حرف می‌زنیم زنی که متوجه موضوع صحبت می‌شود راهش را سمت ما کج می‌کند و می‌گوید: «این وانتی‌ها خیلی سروصدا دارند، اصلاً آسایش نداریم. من هر روز سر ظهر می‌روم خانه مادرم و شب برمی‌گردم. مادرم مریض است و هر بار که می‌آورمش خانه خودم اعصابش به هم می‌ریزد. من نمی‌دانم بقیه محل چطوری این وضعیت را تحمل می‌کنند؟ خانه ما سر نبش خیابان است، برای همین دیوانه شده‌ایم.»

انتهای پانزده متری دوم پارک فجر است. در پارک چند زن روی صندلی نشسته‌اند و با ماسک مشغول گفت‌وگو هستند، تا حرف از وانتی‌ها می‌شود زنان دو دسته می‌شوند؛ یک عده معتقدند نباید نان این جوانان را برید و عده دیگری می‌گویند نمی‌خواهند نان کسی را ببرند و نظرشان این است که آنها را ساماندهی کنند: «اصلاً در همین پارک بیایند غرفه بزنند» یکی از زن‌ها از جایش بلند می‌شود و با حرارت از زباله و باقیمانده میوه‌ای می‌گوید که بعد از رفتن وانتی‌ها در جوی و خیابان می‌ماند و بو می‌گیرد: «تمام جوی آب ما بسته است و این دفعه که باران گرفته بود همه آب آمده بود وسط خیابان و عین رودخانه شده بود.» زن دیگری از شدت ترافیک می‌گوید و دوستش دنبال حرفش را می‌گیرد که اگر انضباط داشته باشند و یکسری کارها را نکنند، مشکلی نیست.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۱۱۷

جدول عادی

افقی:

۱- کشتی‌گیر فقید ایرانی ملقب به «جهان پهلوان» - عزا
۲- امر به نوشتن - جهان - شخصیتی در کارتون به یاد ماندنی «سفرهای می‌تی کومان»
۳- مدرس دانشگاه - بی‌صدا و آرام - پیشرفتگی آب در خشکی
۴- مرد افسانه‌ای هیمالیا - آبکی - رقیق کننده رنگ - میان برنامه تلویزیونی
۵- تلخ - نمای عمارت - اصل و نژاد
۶- آبجی - آسیب - آبدار
۷- ردیاب - سلسله‌ها - مرکز «سوئیس»
۸- اثر، علامت - کشاورزی - سم
۹- بازی انگلیسی - ستارگان - کارمند
۱۰- دلیر - پایان دادن به زندگی یک جاندار - کدخدای امروزی
۱۱- جمع عیب - کوه همدان - دشمن آتش!
۱۲- سبزی ضد سرطان - متداول - شیار لاستیک - نیروها
۱۳- به‌هم ساییده شده - فطری و ذاتی - رشته‌کوه ایرانی
۱۴- رازها - ظرفی در مطبخ - دریای ناآرام
۱۵- خواسته و قصد - فوق ستاره جدید «النصر عربستان»

عمودی:

۱- جمع غنیمت - قوس قزح
۲- چراغ آویز تزئینی - پهلوانی که نقطه ضعف‌اش پاشنه پایش بود - فناوری بَساوشی
۳- فناوری اطلاعات - خدمتکاران - ساختمان
۴- شامگاهان - جاری - لقب سلاطین پیشدادی - ادات تشبیه
۵- مشکل - مملکت - بی‌پرده
۶- ناساز - اثر آلودگی چیزی - ورزش پرطرفدار
۷- الفت - شیر درنده - ابزار اضافه لازم
۸- روی سن اجرا می‌شود - زینت ناخن خانم‌ها - جمع جنس
۹- از رنگ‌ها - عارف، روشندل - آسانی
۱۰- فقیر - گاز تنفسی - خدای قلندر
۱۱- عدد توحیدی - فرمانده نیروهای آلمانی ملقب به «روباه صحرا» - در این مکان
۱۲- صوت رنج - صدای تمسخر - فرزند عاد - عنب‌الثعلب
۱۳- از رنگ‌های لوازم خانگی - برادر مازنی - پذیرش
۱۴- نماینده قانونی - ناهنجاری کروموزومی - ذکرها
۱۵- میوه‌ای از نوع تره‌بار - سؤال کننده از مظنون یا متهم

جدول ویژه

افقی:

۱- اثری از «پرل اس باک» - درخت و نهال رز
۲- روزی دهنده - منطقه‌ای مسکونی در «چین» - نوعی خاص از بلندگو
۳- کفن - پیدا کرد - دو استخوان در مچ دست و پا
۴- شهری در استان فارس - ترک خفیف استخوان - جوهر مازو - پولک ماهی
۵- قرزدن - گناه کننده - زورق
۶- معالجه - دشت هموار - ضمیر چهارم
۷- کناری - کارهای عام‌المنفعه - امر به دویدن
۸- کاست ضبط صوت - خاموش شده - کننده کاری
۹- ایستگاه راه‌آهن - دندان‌های نیش - لطیف‌سازی
۱۰- آقای اسپانیولی - مرد شمشیرزن - گردنه معروف ایران
۱۱- خوراک اغلب ایرانی‌ها - ثابت کردن - رمق آخر
۱۲- تندخو - سنگ معدنی - جهت - خرید و فروش
۱۳- گلی درشت و پربرگ - یادگار سوختگی بر پوست - افترازدن
۱۴- اتاق کنترل فنی تصویر - محله‌ای در تهران - سازمان فضایی
۱۵- بی‌ثمر - مهم‌ترین اثر سهروردی

عمودی:

۱- روستایی وصف نشدنی در استان آذربایجان شرقی - سریالی با بازی «آنیتا بارون»
۲- بالادست - هنگام - گواهی دهندگان
۳- برنج فروش - جای روشنایی - شهرهای ساحلی
۴- بخشیدن مال - خردمند - سخن مگو - نشانه وجود مفعول
۵- موافق - حالا - خویشی و قرابت
۶- همان بس - حق گردن‌کلفتی - رازگویی با خدا
۷- خوشمزه - اثر دیدنی «کویت» - پشیمان
۸- نظریه‌های مختلف - واحد سنجش - سرخرگ اصلی بدن
۹- اتحادیه فوتبال اروپا - بگومگو - بیرق
۱۰- هله هوله - خشک‌رفتار - بیماری جگرسوز
۱۱- کلاه فرنگی - نوعی فست‌فود - تراوش کننده
۱۲- پول آسیایی - یک عامیانه - دشت بلند - بحران سیاسی
۱۳- سازگاری - خلاف «ظاهر» - فصل شکوفایی
۱۴- آبسنگ حَلقَوی - ادعاکننده - سومین دریاچه بزرگ قاره آفریقا
۱۵- نویسنده معاصر آلمانی - ژرفنا

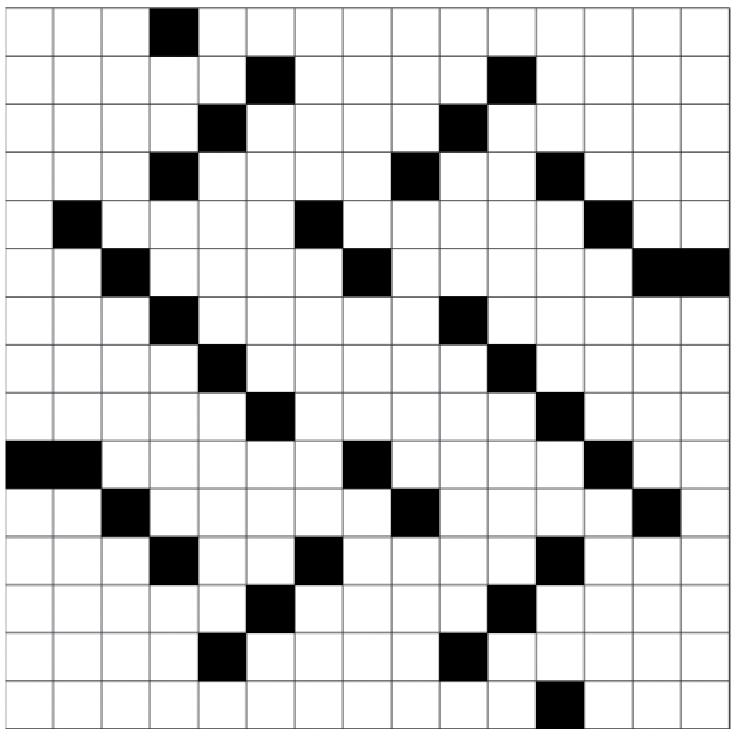

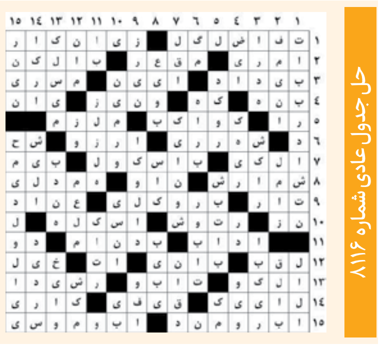
حل جدول عادی شماره ۸۱۱۶

حل جدول ویژه شماره ۸۱۱۶

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۱۴۸

آسان

۳	۷	۸					۵	۱
۹		۱						
۴		۵	۱			۶		
			۸	۷		۱	۴	
		۳	۹		۱	۵		
	۵	۴		۳	۲			
		۹			۶	۴		۵
						۳		۶
۵	۳					۲	۱	۸

متوسط

					۵	۸		
	۹		۷		۳	۱		۶
				۹				۵
۸		۴		۳				
		۱	۵		۹	۷		
				۷		۶		۳
۴				۶				
۶		۵	۱		۸		۹	
		۳	۹					

سخت

	۸						۶	
۶						۷		۲
		۳			۷	۸		
			۹			۶		۸
۹			۶	۲	۵			۴
۳		۴			۱			
		۱	۷			۲		
۲		۶						۱
	۳						۵	

خیلی سخت

								۸
		۳	۴		۵	۹		
۱				۹	۲		۴	
				۴		۵	۷	
۸								۹
	۲	۱		۷				
	۳		۱	۸				۲
		۸	۵		۳	۷		
۲								

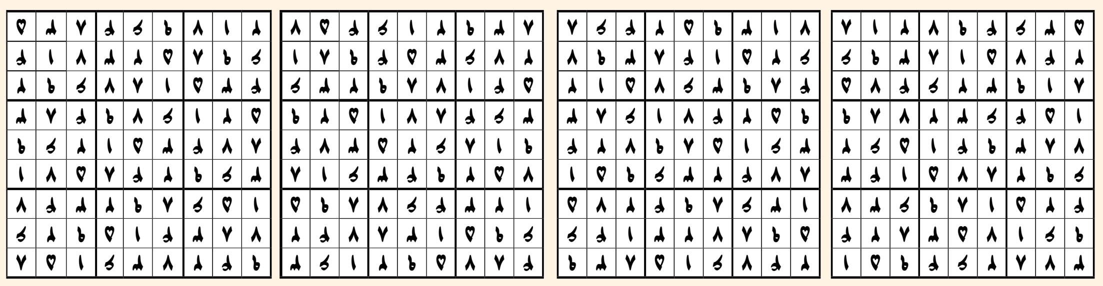
حل جدول سودوکو شماره ۴۱۴۸